

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

ا. م. شیری
۲۰ جون ۲۰۱۴

القاعده، «داعش» جبهة النصره، بوكو حرام، نونازيسم و ...

يا جنايتكاران سازمانيافته انگلوساكسوني

بنا به گزارشات گسترده ناتوی رسانه ئی و رسانه های مستقل متعاقب تسخیر شهرهای موصل و تکریت به دست تروریستهای «داعش» در اوایل هفته گذشته و فرار جمعی نظامیان عراقی مستقر در این مناطق، اوضاع وخیم عراق، وخیمتر گردید.

جنگ، کشتار، ویرانی، توحش و آتش جهانسوزی که جنايتكاران سازمانيافته انگلوساكسوني (دولتهای امپریالیستی غرب) با حمله به یوگسلاوی در سال ۱۹۹۹ و تجزیه و تسخیر اجزای آن برافروختند، به طور فزاینده ای شعله ور گردید و در سال ۲۰۰۱ افغانستان، در سال ۲۰۰۳ عراق را در کام خود فرو کشید.

شعله های آتش انگلوساكسوني رفته رفته ابعاد جهانی به خود گرفت و شمار کثیری از کشورهای جهان، از جمله جمهوریهای گرجستان، اوکراین، قرقیزستان، قزاقستان، مولداوی، ساحل عاج، سودان، مالی، مصر، تونس، یمن، لیبیا، سوریه، نیجریه، افریقای مرکزی، ونزوئلا، هندوراس و ... را تحت عناوین مختلف مانند «انقلابات رنگی»، «بهار عربی» یا مداخلات مستقیم نظامی و حملات تروریستی درنوردید. البته، واضح است که همه همه این آتش عظیم، در جریان تجزیه اتحاد شوروی و تخریب ساختار اجتماعی-اقتصادی آن و همه کشورهای اروپای شرقی با کاربست روش مداخلات مستقیم و تحت عناوین ناسیونالستی و «انقلابات رنگی» و سپس، جلب اکثریت قریب به اتفاق آنها به پیمان تروریستی ناتو آماده شد. هدف از این آتش افروزیهای دهشتناک، ایجاد جهان تک قطبی و جهانی سازی امریکائی، گسترش سلطه امپراتوری امریکا بر سراسر جهان، به عبارت روشنتر، امریکائی کردن همه جهان و حفظ و تقویت ستاد مخفی فرماندهی کل آن واقع در منطقه خاورمیانه-اسرائیل بود و هست. در اینجا لازم به ذکر است که اسرائیل را بر اساس قوانین و موازین مدون بین المللی به علت نداشتن مرزهای به رسمیت شناخته شده و علامتگذاری شده بین المللی نمی توان یک کشور نامید.

اسرائیل در واقع یک پایگاه نظامی بدون محدوده مشخص امپریالیسم جهانی و ستاد مخفی فرماندهی کل آن است که در حدود سه میلیون یهودی را به طرق مختلف از اطراف و اکناف عالم در آنجا جمع کرده، به اسارت گرفته اند. ولذا، این تصور که واشنگتن، لندن یا بروکسل مراکز تصمیمگیری جنگ سالاران و آتش افروزان جهانی هستند، اشتباه است. فرامین جنگ و دستورکار جهانی از تل آویو صادر و برای اجراء به واشنگتن، لندن یا بروکسل ابلاغ می شود.

شاید مدعی فوق در نگاه اول عجیب و یا غیرواقعی به نظر برسد. اما با یادآوری این واقعۀ که همه رؤسای جمهور امریکا- سرکرده امپریالیسم جهانی- قبل از انتصاب به این مقام، به اسرائیل سفر کرده و نامه بیعت خود با صهیونیسم جهانی را به شکاف دیوار ندبه می گذارند، صحت مدعا را تأیید می کند. مثلاً، همین آخریها: بیل کلینتن، جورج بوش، بارک اوباما که هر کدام موظف شدند دو دورۀ چهار ساله پرده دار کاخ سفید باشند، چنین کردند.

یادآوری اسرائیل و ارائه تعریف مشخص از آن بدان سبب همواره ضرورت دارد که غرب به ویژه با ایجاد پایگاه نظامی به نام اسرائیل به کمک گروههای تروریستی مانند هاشومیر، بیتار، نوتریم، سپاه یهود، لشکر یهود، لیچی، اتسل و هاگانا در سالهای بعد از جنگ جهانی اول تا تأسیس این پایگاه در منطقه نفتخیز خاورمیانه، تجارب درخشانی در تشکیل و تربیت گروههای تروریستی و جنایتکاران سازمانیافته اندوخت. غرب با استناد به این تجارب، در سایر مناطق دارای اهمیت ژئوپلیتیک جهان نیز متناسب با موقعیت، ثروت، فرهنگ، سنن اجتماعی و تعلقات ملی، نژادی و اعتقادات دینی- مذهبی خلقهای هر منطقه، گروهها و دستجات تروریستی و آدمکش را تحت اسامی و عناوین مختلف مانند القاعده، «داعش»، جبهه النصره، گلا دیو، فاشیسم، بریگادهای سرخ، طالبان، لشکر طیبیه، جندالله، ابوسیاف، جیش العدل، کنتراها، بوکوحرام، الشباب و غیره، به منظور ابدیت بخشیدن به سلطۀ خود بر منابع و ثروتهای هر منطقه توسعه داد.

در مجموع، غرب به خصوص پس از هیاوهی عوامفریبانه «رنسانس» در قرون وسطی به این سو، به طور مرتب و منظم مرتکب جنایت علیه بشریت شده است و کماکان می شود. تا کنون هیچ خلق و کشور جهان از توحش دولتهای غربی در امان نمانده است. جنایات هولناک غرب علیه بشریت جهان پس از «رنسانس» در اشکال تحکیم و تقویت نظام استعماری کهنه و سپس نو، دو جنگ جهانی خانمانسوز، «جنگ سرد»- جنگی ویرانگرانه تر و فاجعه بارتر از دو جنگ جهانی اول و دوم، احیاء و مدرنیزه کردن برده داری و فئودالی، زایش و پرورش امپریالیسم، ایجاد و تأسیس ایدئولوژیها، باندهای مافیائی و شبکه های تار عنکبوتی فراماسونری، صهیونیستی، فاشیستی و تروریستی، تشکیل و تقویت کشورهای جعلی امریکا و اسرائیل و اختفای ستاد فرماندهی کل خود در اسرائیل، تجزیه و تقسیم کشورها بر اساس نظریه «هر چه کوچکتر، بیشتر قابل کنترل تر»، جنگهای منطقه ای، کودتاهای نظامی، توطئه ها و دسیسه های متعدد، تلاش و انجام آزمایشات مستمر در جهت تغییر سرشت انسان، جهانی کردن اعتیاد به انواع مواد مخدر و بیماریهای واگیر و کشنده آزمایشگاهی مثل ایدز، سرطان،... تبلیغ و ترویج قتل، خشونت، نفرت و دامن زدن به تفرقه، خصومت و دشمنی بین خلقهای جهان، به ویژه، خلقها و ملت های همسایه با پایبندی به روش انگلیسها «تفرقه بینداز، حکومت کن»، رواج گسترده انواع انحرافات و انحطاطات اخلاقی، همجنسبازی با هدف نابودی خانواده به مثابه بنیان جامعه، جاسوسی از همه و جاسوس و مزدورپروری و... به وقوع پیوسته و می پیوندند. در یک کلام، غرب عامل و مسبب تمام تیره بختی های همه بشریت جهان در تاریخ بوده، هست و اگر تغییر و تحولی بنیادی در جهان روی ندهد، همچنان خواهد بود.

به رغم ره آوردهای «مشعشع» رنسانس غرب، امروز اوضاع جهان خلاف برنامه های جهانی سازی امریکائی و انتظار سران صهیونیست- فراماسون امپریالیسم جهانی، در جهت اخراج سلطه گران ماورای اقیانوسی از مناطق ژئوپلیتیک و کشورهای تحت سلطه پیش می رود. روند حوادث، به تبع آن، نه تنها منافع سارقانۀ سلطه جویان بین المللی، حتی امنیت و موجودیت ستاد مخفی فرماندهی کل آنها را از جمله در منطقه خاورمیانه با تهدید بسیار جدی مواجه ساخته است.

دولتهای امپریالیستی غرب با توجه به چنین روند حوادث جهانی و با توجه به رسوائی های پیاپی تهاجمات و اشغالگریهای نظامی در افکار عمومی جهان و حتی در داخل محدوده فرمانروائی مستقیم خود، در تلاش برای تداوم

اجرای برنامه ها و اهداف پلید سلطه بر سراسر جهان، گروههای تروریستی، آدمکشان حرفه‌ای و ارتشهای خصوصی از قبیل بلاک واتر، القاعده، «داعش»، جبهه النصره، گلا دیو، فاشیسم، بریگادهای سرخ، طالبان، لشکر طیبه، جندالله، ابوسیاف، جیش العدل، کنترها، بوکوحرام، الشباب و سایرین را که در ادوار مختلف متناسب با اوضاع و شرایط هر منطقه سازماندهی، تربیت و تسلیح کرده است، وارد جنگهای خانمان برانداز استعماری خود کرده است. هر تصویری که این گروهها و دستجات مزدور و آدمکش را اجزای جدائی ناپذیر ابزارهای سلطه امپریالیسم تلقی نکند، نه تنها دور از واقعیت، بلکه، به معنای تأیید و حمایت کامل از جرایم و جنایات غرب علیه بشریت و به مثابه شراکت در جرایم آن است. به طور کلی، امپریالیسم جهانی و همه گروهها و دستجات تروریستی و ارتشهای خصوصی در هر نقطه جهان، رابطه علت و معلولی با هم دارند. همه مشکلات از علت ناشی می شود نه از معلول!

در جهان امروز کیست که نداند این همه تسلیحات، مهمات، ابزار و ادوات جنگی، تجهیزات، سوخت، تغذیه، پوشاک و سایر ملزومات گروههای تروریستی را دولت‌های امپریالیستی و دولت‌های دست نشانده منطقه‌ای آنها اساساً به حساب چاپ دالر و تاراج ثروتهای عمومی مردم جهان تأمین می کنند. اگر غیر از این می بود، اصولاً باید پهبادهای رژیمهای تروریستی- فاشیستی غرب که به طور مستمر روستائیان پاکستان، افغانستان، یمن و برخی کشورهای دیگر را زیر بمبارانهای جنون آمیز به قتل می رسانند، می توانستند دفتر موجودیت این گروههای جنایتکاران سازمانیافته را با یک حمله برق آسا در هم بپیچند؛ و گر نه، ماهواره ها و پایگاههای جاسوسی- نظارتی غرب که تمام جهان را زیر نظر دارند، باید کوچکترین تحرک گروههای تروریستی را ثبت و از تل آویو دستور سرکوب آنها را می گرفتند.

خلاصه گفتار: تروریسم، نسل کشی، هجوم، ویرانی و یغماگری لکه مادرزادی غرب است و فرمان جنگ تروریستی- استعماری (جنگ نیابتی) که امروز در عراق، سوریه و سایر کشورهای منطقه خاورمیانه یا در شرق اروپا، در اوکراین و سایر مناطق جهان جریان دارد، از ستاد مخفی فرماندهی کل امپریالیسم جهانی صادر و برای اجراء به واشنگتن، لندن و بروکسل ابلاغ شده است. غرب، آن غربی که اساساً تحت حاکمیت رژیمهای سلطنتی (اسپانیا، انگل- ستان، بلجیم، دنمارک، سویدن، لیختن اشتاین، موناکو، ناروی، هالند با دهها مستعمره بزرگ و کوچک مانند کاتادا، استرالیا، زلاندنو، جامنیکا، گرانادا، آندورا، ...) یا خاندانی- مافیائی (دو حزب دمکرات و جمهورخواه امریکا) اداره می شود، اگر چه موفق شد سیمای فاشیستی- تروریستی خود را در پشت نقاب «تروریسم اسلام افراطی»، مانند «داعش»، القاعده، جبهه النصره و غیره در منطقه خاورمیانه پنهان سازد، اما ناچار گردید با روی کار آوردن باندهای نئونازی از راه کودتای مسلحانه در کی یف، آن را در اوکراین به طور عریان و علنی نشان دهد. طبیعتاً، هدف از همه این جنگها و جنایات علیه بشریت، شکستن مبارزه و مقاومت به حق خلقها و کشورهای منطقه و جهان، از جمله، روسیه به مثابه پیشقراول نیروهای مقاومت جهانی در مقابل یورشهای صلیبی سازندگان امپراتوری جهانی امریکا است.

۲۹ خرداد- جوزا ۱۳۹۳

یادداشت:

این که در مقطع کنونی، در بعضی از نقاط جهان منافع امپریالیسم امریکا با همتای روسی اش در تقابل قرار می گیرد، بدان معنا نیست که روسها را بتوان شامل مقاومت ضد امپریالیستی غرب قرار داد، تا چه رسد بین که نقش پیشقراولی را به وی ارزانی داشت؛ چه خود آنکشور نیز در زیر بار کوهواره ای از تجاوزات علنی و مخفی بر سایر کشور ها، - افغانستان به مثابه بزرگترین و روشنترین نمونه این همکاری با غرب است- تا گلو غرق می باشد.

اداره پورتال AA-AA